نگاهی به چرایی، چگونگی و تبعات ده جنگ بزرگ تاریخ

جنگ‌های بیهوده قدرت‌های کور

طرح نو| تصور کنید! تصور کنید دنیای ما انسان‌ها، دنیایی بدون جنگ بود. تصورش سخت است، شاید ناممکن؛ چون تاریخ بشر سراپا خون آلوده است و سخت می‌توان این خونها را از ذهن شست و نادیده گرفت. تنها در ۱۰ جنگ بزرگ تاریخ، خون بیش از ۲۰۰ میلیون انسان ریخته شده است. با این حساب، دریایی درست می‌شود که حدود ۱۲ میلیون متر مکعب خون را در خود جای داده است. دریایی که جنایتکاران زیادی درون آن شنا کرده‌اند. تصور این همه خون حال آدم را بد می‌کند، اما تصور جنایت‌ها و خونریزی‌های بی‌دلیل مصیبان آن، حال آدم را به‌هم می‌زند. گرچه در پسِ هر جنگی، قدرت‌طلبی‌های کور وجود دارد اما هر جنگی دلایلی دارد که آن جنگ را آغاز می‌کند و اهدافی دارد که رسیدن به آن، معمولا جنگ را پایان می‌دهد. گاهی اعلام استقلال، گاهی رهایی از یک استعمار، گاهی جابه‌جا کردن و کم و بیش ساختن خطوط مرزی یک سرزمین و گاهی چیزهای دیگر. اما حقیقتا امکان آن وجود نداشت که با گفت و گو و مذاکره، همه این خون‌ها را خرید و مانع ریختنشان شد؟ متاسفانه پاسخ مثبت است. تاسف زمانی بیشتر می‌شود که تفاوت دو مسیر بالا را با هم مقایسه می‌کنیم. «چه می‌شد اگر» این جنگ‌ها به راه نمی‌افتاد؟ ما در پی پاسخ دادن آن نیستیم؛ تنها در پی طرح این پرسش هستیم؛ پاسخش با شما.

برگردان: مجتبی پارسا| از زمان تکامل نوع بشر، همواره این خشم مختص به او برای نشان دادن برتری نسبت به دیگران، در نسل ما وجود داشته است. همه ما به خوبی می‌دانیم که در دوره باستان، در زمان گلادیاتورها، قدرت و برتری با تعداد نیروها و سربازان و همچنین با توانایی آن‌ها برای پیروزی در جنگ‌ها مشخص می‌شد. گمان می‌کنید تا چه اندازه این معیارها تغییر کرده است؟

به نظر می‌رسد ما انسان‌ها گرفتار جنگی بی‌پایان میان خودمان شده‌ایم، در حالی که بهر مردارانِ وذی نفعان این جنگ‌ها هیچ گاه شخصا وارد این جنگ‌ها نشده‌اند و هیچ‌وقت همواره چنین کارهای کثیفی نخواهند شد و تنها همه چیز را از پس پرده، کنترل می‌کنند. دیکشنری آکسفورد، «جنگ» را این گونه توصیف می‌کند: «حالتی از نبرد و نزاع مسلحانه میان کشورهای مختلف یا گروه‌های متفاوت در یک کشور».

لیست ذیل، ۱۰ تا از بزرگ‌ترین و خونین‌ترین جنگ‌های تاریخ را نشان می‌دهد. اما نه به ترتیب وقوع تاریخی، بلکه به ترتیب خونبارترین و میزان تلفات، از کمترین به بیشترین، ذکر شده است؟

۱۰ جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱)

جنگ داخلی آمریکا، به طور اساسی میان «شمال» یا «اتحادیه/دولت مرکزی» و «جنوب» که به عنوان ایالت‌های «استقلال طلب» شناخته می‌شدند، رخ داد. استقلال طلب‌ها توسط تجزیه‌طلبانی از چندین ایالات جنوبی برده‌دار شکل گرفته بودند. این جنگ همچنین به عنوان جنگ میان ایالت‌ها یا به طور ساده، جنگ داخلی آمریکا شناخته می‌شود. ریشه‌های این جنگ داخلی به مسائل برده‌داری بازمی‌گشت که تا ایالات جنوبی خاک آمریکا نیز گسترش یافت. بیش از ۸۰۰ هزار نفر در این جنگ کشته شدند.

۹ جنگ شوروی در افغانستان (۱۹۸۹ - ۱۹۷۹)

یک دهه جنگ طولانی میان شوروی و نیروهای افغان که شامل گروه‌های شورشی چند ملیتی موسوم به «مجاهدین» بودند؛ با تلفات و مرگ بیش از یک میلیون غیرنظامیان افغان و کسانی که در جنگ شرکت کرده بودند. گرچه این جنگ تنها در افغانستان بود، اما میلیاردها دلار کمک‌های مالی توسط کشورهایی مثل ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، عربستان سعودی و چند کشور دیگر، صورت گرفت.

۸ جنگ ویتنام (۱۹۷۵ -۱۹۵۵)

این جنگ به عنوان جنگ دوم هندوچین شناخته می‌شود و از آنجایی که درگیری آمریکا در این مدت در ویتنام، این جنگ را به جنگ آمریکا مبدل ساخته بود، آن را اساسا دنباله جنگ اول هندوچین می‌دانند که میان نیروهای ویتنام شمالی- که توسط چین و سایر متحدان کمونیستی حمایت می‌شد- و ویتنام جنوبی – که توسط ایالات متحده آمریکا و سایر متحدان ضد کمونیست حمایت می‌شد- شکل گرفته بود. بیش از یک میلیون غیر نظامی، غیر از صدها هزار نفر از کسانی که در جنگ شرکت داشتند، کشته شدند.

۷ جنگ‌های سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸)

یکی از خونبارترین جنگ‌های مذهبی، این جنگ‌ها بودند و همچنان که از نام آن پیداست، سی سال به طول انجامید. جنگ‌های سی ساله، یکی از طولانی‌ترین و مخرب‌ترین نزاع‌هایی بود که در تاریخ اروپا شکل گرفت و یکی از طولانی‌ترین و ادامه‌دارترین جنگ‌ها در تاریخ مدرن است. تاریخ‌شناسان هنوز نتوانسته‌اند حقایقی را برای این مسأله بیابند که چگونه این جنگ، شعله‌ور شد؛ گرچه به نظر می‌آید دلایل موازی زیادی موجب تحریک کردن این جنگ، در زمان‌های مختلف وجود داشته است. این جنگ در ابتدا به عنوان یک جنگ مذهبی آغاز شد، اما بعد به کشمکش و رقابت بوربون -هابزبورگ برای برتری سیاسی در اروپا تبدیل شد. در این جنگ‌های سی ساله، بیش از ۸ میلیون نفر جان خود را از دست دادند.

۶ جنگ‌های ناپلئونی (۱۸۱۵-۱۸۰۳)

جنگ‌های ناپلئونی، یک سری از جنگ‌هایی بودند که توسط ائتلاف مخالفان، علیه امپراتوری فرانسوی ناپلئون، اعلام شد. جرقه این جنگ در ابتدا با انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، زده شد و بعد به دلیل استفاده از خدمت اجباری توده مردم، در مقیاس بی سابقه‌ای ادامه پیدا کرد.

قدرت فرانسه که با فتح بیشتر اروپا به سرعت افزون می‌شد، در سال ۱۸۱۲ در اثر عواقب اشغال روسیه، شدیداً کاسته شد و در نهایت امپراتوری ناپلئون متحمل شکست کامل نظامی شد. با بیش از ۶/۵ میلیون نفر کشته، به دلیل بازگشت بوربون‌ها به سلطنت فرانسه نتایج جنگ از بین رفت.

۵ جنگ داخلی روسیه (۱۹۲۳-۱۹۱۷)

این جنگ، میان ارتش سرخ بولشویک و ارتش سفید متحدان آزاد ضد نیروهای بولشویک، صورت گرفت. به جز روس‌ها بسیاری از نیروهای بیگانه نیز در این جنگ داخل شدند؛ متحدان حامی ارتش آلمان که در برابر ارتش سرخ جنگیدند و سربازانی خارجی که داوطلبانه به این ارتش پیوستند. این جنگ تنها ۵ سال طول کشید اما تلفات آنها به بیش از ۷ میلیون نفر کشته رسید.

۴ فتوحات امپراتوری ژاپن (۱۹۴۵-۱۸۹۴)

امپراتوری ژاپن، دقیقا به معنای امپراتوری و قدرت جهانی بود که از زمان به قدرت رسیدن «می جی» از زمان ۳ ژانویه ۱۸۶۸ تا تصویب قانون اساسی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم در ۳ می ۱۹۴۷ وجود داشت. تنها بعد از متحمل شدن دو شکست و بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، امپراتوری ژاپن، توسط نیروهای متحد در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ محاصره شد. درگیری آمریکا منجر به تولد قانون اساسی جدید شد که ژاپن، رسما در ۳ می ۱۹۴۷، مجبور به منحل کردن امپراتوری شدند. امپراتوری‌ای که بیش از آن، دلیل مرگ بیش از ۲۰ میلیون نفر شده بود.

۳ جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴)

جنگ جهانی اول، یکی از خونبارترین جنگ های بین المللی در تاریخ بشر در مرکز اروپا است که در ۲۸ جولای ۱۹۱۴ آغاز شد. این جنگ از زمانی که آغاز شد، با نام «جنگ بزرگ» شناخته می‌شد؛ تا اینکه «مادر» همه جنگ ها و خمام های خون در تاریخ، به وقوع پیوست؛ جنگ جهانی دوم. جنگ جهانی اول، همه قدرت های بزرگ در جهان را درگیر کرد و آنها را در دو گروه مقابل هم با نام متفقین و قدرت های مرکزی قرار داد. خسارات و تلفات کشته ها در جنگ جهانی اول، حول و حوش ۵۰ میلیون نفر و بیشتر تخمین زده می‌شود.

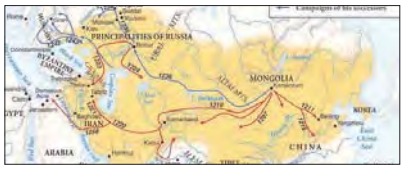

۲ فتوحات مغول‌ها (۱۳۶۸-۱۲۰۶)

جنگی که جرقه آن در اوایل سده سیزدهم میلادی خورد و نتیجه آن، توسعه وسیع امپراتوری مغول ها شد. این امپراتوری، بیشتر آسیا و شرق اروپا را در نیمه ۱۳۰۰ میلادی، پوشش می‌داد. بسیاری از تاریخ شناسان معتقدند که تاخت و تاز و تهاجم مغول‌ها یکی از مرگبارترین نزاع ها و جنگ ها در تاریخ بشر تا آن زمان بوده است. مغول‌ها وحشت را در مقیاسی عظیم به اروپا آوردند که تا قرن بیستم هیچ گاه دیده نشد. آنها بیش از ۶۰ میلیون نفر را در مسیر خود کشتند.

۱ جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹)

این جنگ، میان قسمت عظیمی از ملیت ها و قدرت های بزرگ جهان صورت گرفت و سرانجام مانند جنگ جهانی اول دو سپاه متحد مقابل هم شکل گرفت؛ متحدین و متفقین. این جنگ به خاطر حجم عظیم کشته شدگان غیر نظامی و استفاده از بمب اتمی (تنها استفاده تا امروز)، شاخص است. در نتیجه جنگ جهانی دوم، بیش از ۷۰ میلیون نفر کشته شدند و اعتقاد بر این است که این جنگ، مرگبارترین و خونین ترین جنگی است که تاریخ به خود دیده است. جنگی که تا همیشه پایه های وجود و حضور ما را لرزاند.

نتیجه‌گیری نهایی:

اگرچه هر یک از این جنگ‌ها، در سرزمین های مختلف و توسط گروه ها و کشورهای متفاوتی در دوره های زمانی مختلفی در تاریخ روی داده است؛ اما افرادی که همواره در همه این جنگ ها جانشان را از دست دادند یا متحمل آزار شدند، همان غیرنظامیان بی گناه بودند؛ کسانی که همواره، کم یا زیاد، قربانی جنگ های «بیهوده» به خاطر قدرت های «کور» بوده‌اند.

خبرنگاری بعد از پایان یافتن جنگ جهانی دوم از آلبرت اینشتین پرسید: «گمان می کنید در جنگ جهانی سوم، چه نوع از تجهیزات و سلاح های جنگی استفاده خواهد شد؟» اینشتین با لبخند پاسخ می‌دهد: «من چیزی در مورد جنگ جهانی سوم نمی‌دانم، اما اگر جنگ جهانی چهارم باشد، قطعا با چوب و سنگ خواهد بود».

منبع: http://www.elist10.com